

حقوق زوجین در اسلام

■ فاطمه نجفی بازوکی

(قسمت: اول)



همبستگی دارند.

دیدگاههای مختلف در رابطه با

خانواده:

رژیمهای سرمایه داری یا دموکراسی:

رژیم سرمایه داری به پیروی از "فریوید"، غرایز جنسی را اساس خانواده و ازدواج دانسته و می بینیم که چگونه در کشورهای سرمایه داری، روابط خانوادگی از هم گسسته و به آزادی حیوانی و انواع فحشا و فساد و ازدواج آزاد روی آورده اند. در کشورهای سرمایه داری صدها هزار زن و کودک غربی در معرض فحشا، دزدی، اعتیاد قرار دارند و در این کشورها احاله مسئولیت ها و واگذاری تکالیف در خانواده را به دلخواه و شئون اجتماعی افراد واگذار می کنند. در انگلستان به دلیل اینکه زنان واجب النفقہ نیستند برای تأمین معاش گاهی از محل کار تا خانه تن به فحشا می دهند در کشورهای سرمایه داری به اسم آزادی و رفاه، چنان ضربه ای به خانواده

شایسته ای برای اجتماعی کردن انسان است و هم وسیله بسیار مؤثری برای حمایت از او. خانواده مرکز حفظ سنن ملی و اخلاقی و کانون رشد عواطفی است که سیاست زور در آن راهی ندارد. خانواده، گروه کوچکی است که حتی میان دولت و فرد واسطه می شود و از تجاوز حکومتها به حقوق فردی می گاهد؛ از اهمیت و نقش «خانواده» همین بس که خانواده در حفظ اقتدار ملی و پیشرفت اقتصادی سهم مؤثری دارد.

تاریخ نشان می دهد که، همیشه ملت‌هایی قوی بوده اند که خانواده در آنها اساس محکمتری داشته است و انحطاط هر قومی نیز از زمانی شروع می شود که در مبانی خانواده های آن قوم سستی و رخوت و پستی رسوخ کرده باشد.

تعریف خانواده:

«خانواده»، به گروهی از اشخاص گفته می شود که در اثر قرابت یا نکاح با هم

مقدمه در مفهوم و اهمیت خانواده:

کوچکترین و در عین حال بنیادی ترین واحد اجتماعی، «خانواده» است. خانواده، از کهن ترین و مهم ترین گروه های انسانی است. قدمت تشکیل خانواده به سالیان دور می رسد، زمانی که انسان همزیستی و در کنار هم زیستن را آموخت، اولین اجتماع انسانی را به وجود آورد. تمایل جنسی زن و مرد و محبت فطری پدر و مادر نسبت به فرزندان خود، موجب شده که خانواده به عنوان واحدی طبیعی و محترم قلمداد شود و همان گونه که تشکیل اجتماع از ضرورت های طبیعت انسان و تأمین سعادت اوست، خانواده نیز به حکم نیازها و غرایز انسانی ایجاد شده است.

خانواده، نخستین اجتماعی است که انسان در آن پای می نهد در آنجاست که مفهوم از خود گذشتگی و تعاون را فرامی گیرد و برای شرکت در گروه های بزرگتر آماده می شود. خانواده، هم مکثب

زده‌اند که بچه‌ها روانه پانسیونها و زنان و مردان به چند شغله شدن، روی آورده‌اند.

رژیمهای کمونیستی یا اشتراک جنسی:

رهبران کمونیست، اساس حیات جامعه را فعالیت برای تولید مایحتاج زندگی می‌دانند و جز به اقتصاد و مادیات به چیزی نمی‌اندیشند و از مسائل روحی و روانی و معنوی زن و مرد و اصالت خانواده غافلند. آنها مسائل مربوط به خانواده را از نوع قراردادهای اجتماعی می‌دانند و می‌گویند قانون تصمیم گیرنده است. آنها می‌کوشند تا زن را از حالت طبیعی خارج

سازند و در خدمت اقتصاد و کارخانه درآورند و برای این منظور، خانواده را نابود می‌کنند و می‌گویند به زن کار

بدهیم و برابر مرد از وی کار بکشیم.

و بچه‌ها را در پرورشگاه بزرگ کنیم. و اگر به زن کار بدهیم و بچه‌ها را در پرورشگاه بزرگ کنیم، دختران باکره با خیالی آسوده، خود را در اختیار عشق قرار می‌دهند. اینها معتقدند که خانواده یک ضرورت اقتصادی است و چون در زمانهای گذشته زن ضعیف بوده و قادر نبوده نیازهای خود را تأمین کند، روی به تشکیل خانواده آورده است. اما امروز که زن قوی شده و زمینه کار کردن برای او فراهم است، چه نیازی به تشکیل خانواده دارد؟... زن و مرد می‌توانند دور از قیود خانوادگی، مانند سایر حیوانات به اشباع غرایز جنسی بپردازند و همین نظر آنها باعث شده که چیزی به نام خانواده باقی

نماند و خانواده‌ها از هم گسیخته شود!

دیدگاه اسلام:

از دیدگاه اسلام، خانواده واحد بنیادین جامعه اسلامی است همان طور که خورشید و منظومه شمسی دارای حرکت وضعی و انتقالی است و حرکت وضعی آن نسبت به حرکت انتقالی و اجتماعی در کاروان ستارگان کهکشان بنیادی است؛ خانواده نیز پایه و اساس جامعه است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «ما بُنِيَ بِنَاءَ فِي الْإِسْلَامِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنْ التَّزْوِيجِ»^(۱)

خانواده، واحد بنیادین جامعه و قانون اصلی رشد و تعالی انسان است و توافق عقیدتی و آرمانی در تشکیل خانواده که زمینه ساز اصلی حرکت تکاملی و رشد یابنده انسان است، اصل اساسی بوده و فراهم کردن امکانات جهت تسبیل به این مقصود از وظایف حکومت اسلامی است

«هیچ بنیادی در اسلام نزد خداوند، پسندیده‌تر از بنای ازدواج و خانواده نیست»

و در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی هم چنین آمده است:

«خانواده، واحد بنیادین جامعه و قانون اصلی رشد و تعالی انسان است و توافق عقیدتی و آرمانی در تشکیل خانواده که زمینه ساز اصلی حرکت تکاملی و رشد یابنده انسان است، اصل اساسی بوده و فراهم کردن امکانات جهت نیل به این مقصود از وظایف حکومت اسلامی است.»^(۲)

در اصل دهم از قانون اساسی نیز چنین آمده:

«از آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه

اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه ریزیهای مربوط باید در جهت:

آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن، استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد.»^(۳)
پایه‌های خانواده در اسلام:

خداوند- تبارک و تعالی- در سوره روم، آیه ۲۱، چنین می‌فرماید:

«وَمِنَ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»

«و از آیات الهی این است که از جنس

خودتان همسرانی برایتان آفرید، تا در کنار او آرامش یابید و با هم انس گیرید و میان شما مودت و مهربانی برقرار ساخت. همانا در

این امر برای متفکرین آیات و نشانه‌هایی است از علم و حکمت الهی.»

در این آیه دو نکته قابل توجه وجود دارد، اول خداوند فرموده «من انفسکم»، و بعد فرموده «لتسکنوا الیها»، که «من انفسکم» دلالت دارد بر مساوات و عدم برتری طرفین بر هم و «لتسکنوا» هم دلالت دارد بر اینکه هدف از ازدواج، «اسکان و آرامش» است چنانچه ارضای غریزه جنسی و تولید و تناسل، پیامدهای ازدواج است نه هدف آن. در این آیه، هدف از ازدواج «اسکان و آرامش» و وسیله آن هم «موده و رحمة» ذکر شده است. با توجه به این آیه و آیات دیگر قرآن مجید، می‌توانیم اساس خانواده را در قرآن که همان زبان گویای اسلام است به شرح ذیل عنوان کنیم:

۱- مساوات «و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً» (۴)

۲- آرامش و اسکان «لتسکنوا الیها» (۵)

۳- مودت «و جعل بینکم مودة...» (۶)

۴- مهربانی «و رحمة» (۷)

۵- خوش رفتاری «و عاشرهن بالمعروف» (۸)

۶- عدالت «و لا تفسیکوهن ضراراً

لتعتدوا و من یفعل ذلک فقد ظلم نفسه» (۹)

۷- میثاق الهی «و اخذن منکم میثاقاً غلیظاً» (۱۰)

علامه طباطبائی «رحمة الله علیه» در تفسیر سوره «نساء» نوشته‌اند: «خدای تعالی زن را آفرید و به آن چیزهایی که به مردان آرامش می‌بخشد، مجهزشان نمود و بین آنها دوستی و مهر گذاشت تا مردان را با زیبایی و عشوه و دوستی و مهر و محبت به طرف خود بکشانند. بنابراین زنها پایه اول و عامل اساسی اجتماع انسانی هستند و از این جهت است که اسلام، اجتماع خانوادگی را که همان زناشویی است، اصل و پایه جامعه قرار داده است و فرموده:

«یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعیباً و قبائل لیعارفوا ان انکر منکم عند الله اتفیکم».

ای مردم، ما شما را از زن و مرد آفریدیم و شما را به صورت ملتها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید (نه اینکه به یکدیگر فخر بفروشید و دچار خود برتری بینی فردی یا گروهی یا ملی شوید) همانا گرامیترین شما نزد پروردگار، پرهیزگارترین شماست.

در این آیه، ابتدا (اجتماع کوچک و بنیادی) زن و مرد و ظهور تناسل را گفته و پس از آن بنای اجتماعات بزرگتر را که از

تیره‌ها، قبیله‌ها و طایفه‌ها به وجود می‌آیند، بیان نموده است و از ذیل آیه روشن می‌شود اسلام به هیچیک از برتریهای بدنی (و مادی) که تنها در زندگی مادی سودمند است، اعتنایی ندارد و برتری به معنی کرامت و فضیلت که اسلام به آن اهمیت می‌دهد، فقط «پرهیزگاری» است، هر کجا که باشد (در زن یا مرد یا ملتها).» (۱۱)

نتیجه:

با توجه به مطالبی که از دیدگاه اسلام در رابطه با خانواده عنوان شد، درمی‌یابیم که نظر اسلام کاملاً بر عکس نظریه سرمایه‌داری و کمونیستی است. اساس خانواده در اسلام طوری است که اسلام نه با بستن راه طلاق، بلکه با ایجاد عشق و مودت عمیق و میثاق الهی پایه‌های ازدواج و خانواده را محکم و تزلزل ناپذیر ساخته و از این روست که آمار طلاق و از هم گسیختگی خانواده در کشورهای اسلامی خیلی کمتر از کشورهای سرمایه‌داری و کمونیستی است.

عوامل تشکیل خانواده:

با توجه به تعریف خانواده در ابتدای مقدمه، معلوم می‌شود دو عامل اساسی آنرا تشکیل می‌دهد:

- ۱- نکاح ۲- رابطه پدر و فرزندی یا نسب
- و در این نوشتار ما قصد داریم در رابطه با عامل اول (نکاح)، اهمیت آن از دیدگاه اسلام و همچنین حقوقی که هر کدام از زن و مرد برهم دارند مطالبی را عنوان کنیم.

واژه نکاح:

«نکاح، مصدر ثلاثی و از ریشه نکح- ینکح می‌باشد، اهل لغت نیز آن را در عداد مصادر ثلاثی منظور داشته‌اند.

باب پنجم - موجبات ضمان

ماده ۳۱۶- جنایت اعم از آن که به مباشرت انجام شود یا به تسبیب یا به اجتماع مباشر و سب موجب ضمان خواهد بود.

ماده ۳۱۷- مباشرت آن است که جنایت مستقیماً توسط خود جانی واقع شده باشد.

ماده ۳۱۸- تسبیب در جنایت آن است که انسان سب تلف شدن یا جنایت علیه دیگری را فراهم کند و خود مستقیماً مرتکب جنایت نشود به طوری که اگر نبود جنایت حاصل نمی‌شد مانند آن که چاهی بکند و کسی در آن بیفتد و آسیب بیند.

ماده ۳۱۹- هرگاه طیبی گرجه خدایق و متخصص باشد در معالجه‌هایی که شخصاً انجام می‌دهد یا دستور آن را صادر می‌کند هر چند با اذن مریض یا ولی او باشد باعث تلف شدن جان یا نقص عضو یا خسارت مالی شود ضامن است.

ماده ۳۲۰- هرگاه ختنه‌کننده در اثر بریدن بیش از مقدار لازم موجب جنایت یا خسارت شود ضامن است گرچه ماهر بوده باشد.

ماده ۳۲۱- هرگاه بیطار و دامپزشک گرجه متخصص باشد در معالجه حیوانی هر چند با اذن صاحب او باشد موجب خسارت شود ضامن است.

ماده ۳۲۲- هرگاه طیب یا بیطار و مانند آن قبل از شروع به درمان از مریض یا ولی او یا از صاحب حیوان بیراثت حاصل نمایند، عهده دار خسارت پدید آمده نخواهد بود.

ماده ۳۲۳- هرگاه کسی در حال خواب بر اثر حرکت و غلطیدن موجب تلف یا نقص عضو دیگری شود جنایت او به منزله

باید توجه داشت که هر چند لغت نکاح را مصدر ثلاثی دانسته‌اند ولی فعال، که نکاح بر وزن آن است، از اوزان قیاسی مصادر ثلاثی نیست بلکه از اوزان سماعی آن به شمار می‌رود.^(۱۲)

تعریف نکاح:

«نکاح» در لغت به معنی «تقابل» است و در زبان عرب، هر گاه دو کوه در مقابل یکدیگر قرار گرفته باشند، گفته می‌شود: تَنَاحَ الْجَبَلَانِ، یعنی: دو کوه در مقابل هم واقع شده‌اند.

از نظر اصطلاح، در اینکه آیا لفظ نکاح دلالت بر «وطی» می‌کند یا «عقد»، یا میان هر دو مشترک لفظی است؛ اختلاف نظر وجود دارد و معروف و مشهور آن است که نکاح در لغت، به معنی «وطی» و شرعاً به مفهوم «عقد» است. به نظر می‌رسد که منظور از عقد (مفهوم شرعی نکاح) نه تنها صیغه، بلکه مراد حاصل از آن است که در فارسی به «زن گرفتن» و «شوهر کردن» تعبیر می‌شود. بنابراین، نکاح را چنین تعریف می‌کنیم:

«نکاح، رابطه‌ای است حقوقی و عاطفی که به وسیله عقد بین زن و مرد حاصل می‌گردد و به آنها حق می‌دهد که با یکدیگر زندگی کنند و مظهر بارز این رابطه، حق تمتع جنسی است.»^(۱۳)

تشکیل خانواده یا ازدواج:

پیمان ازدواج میان زن و مرد در قرآن، میثاقی محکم خوانده شده است. کلمه میثاق در قرآن برای تعبیر از پیمان میان خدا و بندگان در باره توحید و احکام است و در هر جای قرآن که کلمه میثاق با فعل «أَخَذَ» به کار رفته باشد، نمایانگر پیمان الهی است. مثلاً در آیه «وَإِذَا أَخَذْنَا مِيثَاقَكَم

رَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ...» مشاهده می‌کنیم که خداوند از بنی اسرائیل پیمان الهی را که همانا ایمان آوردن به خداوند و تورات بود، گرفت.^(۱۴)

قرآن کریم، کلمه میثاق را با فعل «أَخَذَ» آنهم با صفت «غلیظ» که برای پیمان

با ایجاد عقد ازدواج و تشکیل خانواده، رابطه زوجیت محقق می‌شود و هر کدام از زوجین در قسبال دیگری، دارای حقوقی می‌شوند که البته موظف به انجام آن می‌گردند.

پیامبران به کار رفته است، در مورد ازدواج آورده و در سوره «نساء»، آیه بیستم، می‌فرماید: «...وَإِذَا أَخَذْنَا مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا» این آیه می‌رساند که پیمان ازدواج در اسلام چقدر متین و استوار است. ازدواج، نه تنها پیمانی میان زن و مرد بلکه میان

پیامبر اکرم ﷺ می‌فرومانند: دگانه‌ترین مؤمنان از حیث ایمان، خوش‌خلق‌ترین آنهاست و ششایسته‌ترین شما آنهاست هستند کسه بسا زندهایشان خوشرفتارترند

زوجین با خداست؛ چون طبق آن با خدا عهد می‌بندند که به دستورات قرآن در مورد همسری و حقوق خانواده که چگونگی آن در سوره‌های مختلف قرآن و روایات آمده است، عمل کنند.

با توجه به محتوای سوره‌های «نساء»، «طلاق»، «ممتحنه»، «بقره»، «مائده»، «نور»،

«احزاب»، «مجادله» و «تحریم»؛ که احکام و دستورات راجع به خانواده را در بر دارند، به هنگام خواندن خطبه عقد گفته می‌شود: «...علی کتاب الله و سنت نبیه» یعنی این عقد بر مبنای کتاب خدا و سنت پیامبرش انجام می‌گیرد.

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که: «إِذَا أَرَادَ الرَّجُلُ أَنْ يَتَزَوَّجَ الْمَرْأَةَ فَلْيَقُلْ: أَتَزَوَّجُ بِالْمِيثَاقِ الَّذِي أَخَذَ اللَّهُ، إِنْ سَاكَتَ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٍ بِالْحَسَنِ»^(۱۵)

هنگامیکه مرد می‌خواهد با زن ازدواج کند، باید بگوید، گواهی می‌دهم به میثاق و پیمانی که خداوند گرفته است، یا به شایستگی و خوش رفتاری نگاهداشتن و یابہ نیکی و احسان رها کردن».

امین الاسلام طبرسی در تفسیر مجمع‌البیان، یکی از وجوه تفسیر «وَأَخَذْنَا مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا» را همین مطلب ذکر فرموده‌اند، به این مضمون که میثاق غلیظ یعنی: یا به احسان رها کردن و یا با خوش رفتاری نگاه داشتن زن.^(۱۶)

اهمیت ازدواج در اسلام:

ازدواج در اسلام از مستحبات مؤکد است و در ترغیب و نکوهش از ترک آن، روایات فراوانی آمده است. و به عنوان نمونه تعدادی از آنها را در ذیل بیان می‌کنیم:

۱- از امام محمد باقر علیه السلام به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده:

«مَا بَيْنِي بِنَاءٌ فِي الْإِسْلَامِ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنَ التَّزْوِجِ»^(۱۷) هیچ بنیانی در اسلام نزد خداوند عزَّ و جلَّ محبوبتر از ازدواج نیست.

۲- عن جعفر بن محمد عن ابیه علیه السلام قال: رَكَعَتَانِ يَصِلِيهَا مَتَزَوِّجٍ، أَفْضَلُ مِنْ

امام جعفر صادق علیه السلام به نقل از پدر بزرگوارشان امام محمد باقر علیه السلام می فرمایند: دو رکعت نماز شخص همسر دار، بهتر از هفتاد رکعت نمازی است که شخص عزب می خواند.

۳- رُوِيَ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَ: أَكْثَرُ أَهْلِ النَّارِ الْعَزَبُ. (۱۹) بیشتر اهل آتش عزبها هستند.

۴- عن أبي جعفر علیه السلام قال: جهاد المرأة حَسَنُ التَّبَعْلِ. (۲۰)

امام محمد باقر علیه السلام فرمودند: جهاد زن، خوب شوهر داری کردن است.

۵- عن أبي جعفر علیه السلام قال: ان الله - عزوجل - كتب على الرجال الجهاد و على النساء الجهاد، فجهاد الرجل أن يبذل ماله و دمه حتى تقتل في سبيل الله - عزوجل - و جهاد المرأة أن تصبر على ماترى من اذى زوجها و غیرته» (۲۱)

اما محمد باقر علیه السلام فرمودند: همانا خداوند - عزوجل - جهاد کردن را بر مردان و زنان واجب کرده است. پس جهاد مرد این است که مالش را و جانش را در راه خدا ببخشد تا شهید شود و جهاد زن این است که بر اذیت و آزارهایی که از شوهرش می بیند و اعمال سلیقه های فردی شوهرش صبر کند.

۶- قال رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: لا يخدم العيال الا صديق أو شهيد أو رجل يريد الله به خیر الدنيا و الآخرة. (۲۲)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند: خدمت به عائله نکند، مگر صدیق یا شهید یا مردی که خداوند خیر دنیا و آخرت را برایش می خواهد.

با توجه به روایات وارده از ائمه علیهم السلام

اهمیت ازدواج برای ما بسیار روشن می شود و همچنین تشویق ائمه اطهار علیهم السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت به اینکه خدمت به خانواده اجر و مزد دارد، (هم برای زن و هم برای مرد) لذا بابررسی این روایتها سه نکته برای ما روشن می شود:

- ۱- عدم اکراه از مودت و خدمت
- ۲- انجام وظیفه همراه با نشاط
- ۳- استقبال از تکلیف

حقوق و تکالیف زن و شوهر نسبت به

یکدیگر

با ایجاد عقد ازدواج و تشکیل خانواده، رابطه زوجیت محقق می شود و هر کدام از زوجین در قبال دیگری، دارای حقوقی می شود که البته موظف به انجام آن می گردد. و از آنجا که نوع تکالیف هر یک از زوجین، نقش تعیین کننده ای در بقا و سرنوشت خانواده دارد جایگاهی نقشها می تواند موجبات تخریب بنیانهای آنرا فراهم نموده، عواقب ناگواری را سبب گردند. عملکرد مرد و زن در حوزه خانواده در ارتباط کامل با فضایی است که هر یک از آنها از آن برخوردارند. به طوری که، فضایل و مختصات هر صنف در تقویت و تضعیف نقشهای جنس دیگر نیز موثر است. باید به تکالیف و حقوقی که هر یک از زوجین نسبت به دیگری دارد، به دیده عبادت نگریسته شود و اگر از این دید به آنها نظر شود، هر چه انسان متخلق به اخلاق الهی باشد، در جهت بهتر انجام دادن آنها سعی خواهد کرد.

حقوق و تکالیف زوجین نسبت به یکدیگر بر دو دسته است: یک سری حقوقی که بین زن و مرد مشترک است و هر دو در این رابطه ملزم به رعایت آنها

خطاهای منحصر بوده و عاقله او عهده دار خواهد بود.
ماده ۳۲۳- هرگاه کسی چیزی را همراه خود یا با وسیله نقلیه و مانند آن حمل کند و به شخص دیگری برخورد نموده موجب جنایت گردد در صورت عمد یا شبه عمد ضامن می باشد و در صورت خطاهای منحصر، عاقله او عهده دار می باشد.
ماده ۳۲۵- هرگاه کسی به روی شخصی سلاح بکشد یا سنگی را به سوی او برانگیزد یا هر کار دیگری که موجب هراس او گردد انجام دهد مانند فریاد کشیدن یا انفجار صوتی که باعث وحشت می شود و بر اثر این ارباب آن شخص بمیرد اگر این عمل نوعاً کشته باشد یا با قصد قتل انجام شود گسریجه نوعاً کشته نباشد، قتل عمد محسوب شده و موجب قصاص است و اگر این عمل نه نوعاً کشته و نه با قصد قتل انجام بگیرد شبه عمد محسوب شده و دپه آن بر عهده قاتل است.
ماده ۳۲۶- هرگاه کسی دیگری را بترساند و موجب فرار او گردد و آن شخص در حال فرار خود را از جای بلندی پرت کند یا به درون چاهی بیفتد و بمیرد در صورتی که آن ترساندن موجب روال آزاده و اختیار و مانع تصمیم او گردد ترساننده ضامن است.
ماده ۳۲۷- هرگاه کسی خود را از جای بلندی پرت کند و بر روی شخصی بیفتد و سب جنایت گردد در صورتی که قصد انجام جنایت را داشته باشد قتل عمد بوده و قصاص دارد و در صورتی که قصد قتل نداشته ولی قصد پرت شدن را داشته باشد و معمولاً با آن قتل انجام نمی شود قتل

می‌باشند و یک سری حقوقی که خاص یکی از طرفین است به عبارت دیگر، مختص هستند.

دسته اول: حقوق مشترک بین زوجین:

۱- حسن معاشرت

قرآن مجید، در موارد مختلف در ارتباط میان زن و مرد و رابطه زناشویی عبارات جالبی را بیان داشته است. قرآن می‌فرماید: «ومن آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیهن و جعل بینکم مودةً ورحمةً» (۲۳)

و در مورد حسن معاشرت می‌فرماید «...و عاشروهنَّ بالمعروف» (۲۴) با همسرانتان با اخلاق نیکو معاشرت نمایید. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «اکمَلُ المؤمنین ایماناً احسنهم خلقاً و خیارکم نسائهم» (۲۵).

«کاملترین مؤمنان از حیث ایمان، خوش خلقترین آنهاست و شایسته‌ترین شما آنها می‌باشند که با زنهایشان خوشرفتارترند.»

با توجه به آیات و روایات فوق، درمی‌یابیم که اساس زندگی باید بر مبنای، رحمت و خوشرفتاری باشد. زن و شوهر باید با خوشرویی و مسالمت با یکدیگر زندگی کنند و بدون داد و فریاد و ناسزاگویی و مجادله روزگار را سپری کنند.

این مسئله در قانون مدنی هم مورد توجه قرار گرفته است بطوریکه در ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی آمده است که:



باداشتن تعادل اخلاقی، می‌توانند همدیگر را یاری کنند و یار و پشتیبان هم باشند. زن و مردی که دارای تعادل اخلاقی باشند می‌توانند با هم تفاهم داشته باشند. شیرینی لذت و معنویت خانواده در گرو تفاهم آنهاست. اگر تفاهم وجود داشته باشد، استحکام و تشدید نظام خانواده حتمی است.

۳- همکاری در جهت تربیت فرزندان

یکی از وظایف و مسئولیتهای بسیار مهم والدین، «تربیت کودکان» است.

اسلام به این مسئولیت اهمیت بسیاری داده و برنامه‌های جامعی را ارائه کرده است. بیش از هزار روایت در مورد تربیت کودکی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام وارد شده که حدود نیمی از آن در کتاب «وسایل الشیعه» (جلد پانزدهم) آمده است. با توجه به حجم زیاد روایات در این رابطه، در می‌یابیم که پدر و مادر وظیفه سنگینی در جهت تربیت فرزندان خود دارند و باید با هم در این جهت همکاری داشته باشند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: **الْوَالِدُ الصَّالِحُ وَرِیْحَانَةُ مَن رِیَاحِیْنِ الْجَنَّةِ**: (۲۶)

فرزند صالح گلی است از گلهای باغ بهشت.

و در حدیث دیگر می‌فرمایند: «مِنْ سَعَادَةِ الرَّجُلِ اَلْوَالِدُ الصَّالِحُ»: (۲۷) از سعادت‌های مرد، داشتن فرزند صالح است. امر تربیت فرزند نیز مبتنی بر توافق زن و شوهر در وحدت روشی است که برای

«زن و شوهر، مکلف به حسن معاشرت با یکدیگرند.»

با اینکه ظاهر قانون، به صورت یک امر ارشادی و اخلاقی است ولی یک قاعده حقوقی است و ضمانت اجرای حقوقی دارد. مثلاً اگر زنی سوء خلق و بد رفتاری نسبت به شوهر خود روا دارد و مرد نیز با نصیحت و موعظه نتواند او را به حسن معاشرت وادار کند، زن حکم «ناشزم» پیدا می‌کند و حق نفقه از او سلب می‌شود.

۲- همکاری در جهت حفظ و تحکیم میانی خانواده:

زن و مرد موظف هستند در اداره خانواده یکدیگر را یاری کنند و به عبارتی، با همکاری هم، خانواده را سامان بخشند. به هنگام بیماری و در ماندگی هر یک از زوجین از مواظبت و پرستاری همسر خود دریغ نرزد. در پیشامدهای ناگوار و سختیها، یکدیگر را یاری کنند تا مبادا بنیان خانواده دچار تزلزل شود. زن و مرد

تربیت فرزندان خود در نظر می‌گیرند.

اگر زن و مرد در این مورد با هم توافق نداشته باشند و هر کدام طبق سلیقه و نظر خود عمل کنند، علاوه بر اینکه این مسئله ممکن است سبب اختلافات خانوادگی گردد و منجر به گسیختگی رابطه زناشویی شود، فرزندان نیز - بر خلاف منظور پدر و مادر، - اطفالی خودسر بار خواهند آمد.

۴- سکونت مشترک

هدف اصلی از ازدواج، این است که زن و مرد در کنار هم و زیر یک سقف زندگی کنند و تشکیل خانواده دهند. در صورتی که زوجین از هم جدا باشند، چنین امری تحقق نخواهد پذیرفت. با اینکه ازدواج تنها به منظور ایجاد رابطه جنسی صورت نمی‌گیرد، اما به‌طور معمول این رابطه از مهمترین اهداف آن قلمداد شده است و زن و شوهر، از نظر اخلاقی و حقوقی مکلف به حفظ روابط جنسی و سکونت مشترک هستند. بنابراین، زن باید در منزلی که شوهر تعیین می‌کند زندگی کند و شوهر نیز زن را در منزل خود بپذیرد. در این رابطه، حقوق مدنی تکلیف مربوط به سکونت مشترک را به صورتهای گوناگون تضمین کرده است. به‌عنوان مثال در ماده (۱۱۰۸) قانون مدنی آمده است که: «...زنی که از زندگی با همسرش در یک خانه امتناع می‌کند، حق نفقه ندارد و شوهر می‌تواند در برابر تخلف او از دادن نفقه امتناع کند».

۵- وفاداری

در فرهنگ اسلامی ما، رابطه آزاد زن و مرد در هر حالی ممنوع است و در موردی که زنی شوهردار باشد یا مردی ازدواج کرده باشد، اگر رابطه نامشروع با دیگران داشته باشد؛ گناه او بیشتر و زشتی کارش

نیز روشن‌تر است. لطمه‌ای که رابطه نامشروع زن یا شوهر با دیگری؛ به خانواده وارد می‌کند؛ جبران‌ناپذیر است و از نظر حقوقی پیگرد قانونی دارد. ادامه دارد...

پی‌نوشتها:

- ۱- من لایحضره الفقیه ج ۳ - باب ۱۰۱ - فضل التزویج ص ۲۴۱ - حدیث ۵ / وسایل الشیعه، ج ۱۴ - باب استحبابه - حدیث ۴.
- ۲- مجموعه قوانین اساسی - مدنی، مقدمه ص ۱۵.
- ۳- مجموعه قوانین اساسی - مدنی ص ۲۳، اصل دهم.
- ۴- سوره نور، آیه ۲۱.
- ۵- سوره نور، آیه ۲۱.
- ۶- سوره نور، آیه ۲۱.
- ۷- سوره نور، آیه ۲۱.
- ۸- سوره نساء، آیه ۴.
- ۹- سوره بقره، آیه ۲۳۱.
- ۱۰- سوره نساء، آیه ۲۰.
- ۱۱- تفسیر المیزان، جلد ۴ - ص ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱.
- ۱۲- حقوق خانواده - نکاح و انحلال آن، سیدمصطفی محقق داماد - ص ۲۱.
- ۱۳- حقوق خانواده - نکاح و انحلال آن - سید مصطفی محقق داماد - ص ۲۲ و ۲۱.
- ۱۴- سوره بقره / ۶۳ - همچنین در آیات ۸۳ و ۸۴ و ۹۳ همین سوره و همچنین در سوره آل عمران / ۱۸۴ - سوره نساء / ۱۵۴، مانده / ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۸، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۶۷، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۷۲، ۷۷۳، ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۱، ۷۹۲، ۷۹۳، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۶، ۷۹۷، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۱۸، ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۷، ۸۲۸، ۸۲۹، ۸۳۰، ۸۳۱، ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۳۸، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۴۳، ۸۴۴، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۴۹، ۸۵۰، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۵۹، ۸۶۰، ۸۶۱، ۸۶۲، ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹، ۸۷۰، ۸۷۱، ۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷۴، ۸۷۵، ۸۷۶، ۸۷۷، ۸۷۸، ۸۷۹، ۸۸۰، ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۵، ۸۸۶، ۸۸۷، ۸۸۸، ۸۸۹، ۸۹۰، ۸۹۱، ۸۹۲، ۸۹۳، ۸۹۴، ۸۹۵، ۸۹۶، ۸۹۷، ۸۹۸، ۸۹۹، ۹۰۰، ۹۰۱، ۹۰۲، ۹۰۳، ۹۰۴، ۹۰۵، ۹۰۶، ۹۰۷، ۹۰۸، ۹۰۹، ۹۱۰، ۹۱۱، ۹۱۲، ۹۱۳، ۹۱۴، ۹۱۵، ۹۱۶، ۹۱۷، ۹۱۸، ۹۱۹، ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۲، ۹۲۳، ۹۲۴، ۹۲۵، ۹۲۶، ۹۲۷، ۹۲۸، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۳۳، ۹۳۴، ۹۳۵، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۳۸، ۹۳۹، ۹۴۰، ۹۴۱، ۹۴۲، ۹۴۳، ۹۴۴، ۹۴۵، ۹۴۶، ۹۴۷، ۹۴۸، ۹۴۹، ۹۵۰، ۹۵۱، ۹۵۲، ۹۵۳، ۹۵۴، ۹۵۵، ۹۵۶، ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۵، ۹۶۶، ۹۶۷، ۹۶۸، ۹۶۹، ۹۷۰، ۹۷۱، ۹۷۲، ۹۷۳، ۹۷۴، ۹۷۵، ۹۷۶، ۹۷۷، ۹۷۸، ۹۷۹، ۹۸۰، ۹۸۱، ۹۸۲، ۹۸۳، ۹۸۴، ۹۸۵، ۹۸۶، ۹۸۷، ۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۱، ۹۹۲، ۹۹۳، ۹۹۴، ۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۷، ۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۰۱، ۱۰۰۲، ۱۰۰۳، ۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۰۶، ۱۰۰۷، ۱۰۰۸، ۱۰۰۹، ۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۱۲، ۱۰۱۳، ۱۰۱۴، ۱۰۱۵، ۱۰۱۶، ۱۰۱۷، ۱۰۱۸، ۱۰۱۹، ۱۰۲۰، ۱۰۲۱، ۱۰۲۲، ۱۰۲۳، ۱۰۲۴، ۱۰۲۵، ۱۰۲۶، ۱۰۲۷، ۱۰۲۸، ۱۰۲۹، ۱۰۳۰، ۱۰۳۱، ۱۰۳۲، ۱۰۳۳، ۱۰۳۴، ۱۰۳۵، ۱۰۳۶، ۱۰۳۷، ۱۰۳۸، ۱۰۳۹، ۱۰۴۰، ۱۰۴۱، ۱۰۴۲، ۱۰۴۳، ۱۰۴۴، ۱۰۴۵، ۱۰۴۶، ۱۰۴۷، ۱۰۴۸، ۱۰۴۹، ۱۰۵۰، ۱۰۵۱، ۱۰۵۲، ۱۰۵۳، ۱۰۵۴، ۱۰۵۵، ۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۵۸، ۱۰۵۹، ۱۰۶۰، ۱۰۶۱، ۱۰۶۲، ۱۰۶۳، ۱۰۶۴، ۱۰۶۵، ۱۰۶۶، ۱۰۶۷، ۱۰۶۸، ۱۰۶۹، ۱۰۷۰، ۱۰۷۱، ۱۰۷۲، ۱۰۷۳، ۱۰۷۴، ۱۰۷۵، ۱۰۷۶، ۱۰۷۷، ۱۰۷۸، ۱۰۷۹، ۱۰۸۰، ۱۰۸۱، ۱۰۸۲، ۱۰۸۳، ۱۰۸۴، ۱۰۸۵، ۱۰۸۶، ۱۰۸۷، ۱۰۸۸، ۱۰۸۹، ۱۰۹۰، ۱۰۹۱، ۱۰۹۲، ۱۰۹۳، ۱۰۹۴، ۱۰۹۵، ۱۰۹۶، ۱۰۹۷، ۱۰۹۸، ۱۰۹۹، ۱۱۰۰، ۱۱۰۱، ۱۱۰۲، ۱۱۰۳، ۱۱۰۴، ۱۱۰۵، ۱۱۰۶، ۱۱۰۷، ۱۱۰۸، ۱۱۰۹، ۱۱۱۰، ۱۱۱۱، ۱۱۱۲، ۱۱۱۳، ۱۱۱۴، ۱۱۱۵، ۱۱۱۶، ۱۱۱۷، ۱۱۱۸، ۱۱۱۹، ۱۱۲۰، ۱۱۲۱، ۱۱۲۲، ۱۱۲۳، ۱۱۲۴، ۱۱۲۵، ۱۱۲۶، ۱۱۲۷، ۱۱۲۸، ۱۱۲۹، ۱۱۳۰، ۱۱۳۱، ۱۱۳۲، ۱۱۳۳، ۱۱۳۴، ۱۱۳۵، ۱۱۳۶، ۱۱۳۷، ۱۱۳۸، ۱۱۳۹، ۱۱۴۰، ۱۱۴۱، ۱۱۴۲، ۱۱۴۳، ۱۱۴۴، ۱۱۴۵، ۱۱۴۶، ۱۱۴۷، ۱۱۴۸، ۱۱۴۹، ۱۱۵۰، ۱۱۵۱، ۱۱۵۲، ۱۱۵۳، ۱۱۵۴، ۱۱۵۵، ۱۱۵۶، ۱۱۵۷، ۱۱۵۸، ۱۱۵۹، ۱۱۶۰، ۱۱۶۱، ۱۱۶۲، ۱۱۶۳، ۱۱۶۴، ۱۱۶۵، ۱۱۶۶، ۱۱۶۷، ۱۱۶۸، ۱۱۶۹، ۱۱۷۰، ۱۱۷۱، ۱۱۷۲، ۱۱۷۳، ۱۱۷۴، ۱۱۷۵، ۱۱۷۶، ۱۱۷۷، ۱۱۷۸، ۱۱۷۹، ۱۱۸۰، ۱۱۸۱، ۱۱۸۲، ۱۱۸۳، ۱۱۸۴، ۱۱۸۵، ۱۱۸۶، ۱۱۸۷، ۱۱۸۸، ۱۱۸۹، ۱۱۹۰، ۱۱۹۱، ۱۱۹۲، ۱۱۹۳، ۱۱۹۴، ۱۱۹۵، ۱۱۹۶، ۱۱۹۷، ۱۱۹۸، ۱۱۹۹، ۱۲۰۰، ۱۲۰۱، ۱۲۰۲، ۱۲۰۳، ۱۲۰۴، ۱۲۰۵، ۱۲۰۶، ۱۲۰۷، ۱۲۰۸، ۱۲۰۹، ۱۲۱۰، ۱۲۱۱، ۱۲۱۲، ۱۲۱۳، ۱۲۱۴، ۱۲۱۵، ۱۲۱۶، ۱۲۱۷، ۱۲۱۸، ۱۲۱۹، ۱۲۲۰، ۱۲۲۱، ۱۲۲۲، ۱۲۲۳، ۱۲۲۴، ۱۲۲۵، ۱۲۲۶، ۱۲۲۷، ۱۲۲۸، ۱۲۲۹، ۱۲۳۰، ۱۲۳۱، ۱۲۳۲، ۱۲۳۳، ۱۲۳۴، ۱۲۳۵، ۱۲۳۶، ۱۲۳۷، ۱۲۳۸، ۱۲۳۹، ۱۲۴۰، ۱۲۴۱، ۱۲۴۲، ۱۲۴۳، ۱۲۴۴، ۱۲۴۵، ۱۲۴۶، ۱۲۴۷، ۱۲۴۸، ۱۲۴۹، ۱۲۵۰، ۱۲۵۱، ۱۲۵۲، ۱۲۵۳، ۱۲۵۴، ۱۲۵۵، ۱۲۵۶، ۱۲۵۷، ۱۲۵۸، ۱۲۵۹، ۱۲۶۰، ۱۲۶۱، ۱۲۶۲، ۱۲۶۳، ۱۲۶۴، ۱۲۶۵، ۱۲۶۶، ۱۲۶۷، ۱۲۶۸، ۱۲۶۹، ۱۲۷۰، ۱۲۷۱، ۱۲۷۲، ۱۲۷۳، ۱۲۷۴، ۱۲۷۵، ۱۲۷۶، ۱۲۷۷، ۱۲۷۸، ۱۲۷۹، ۱۲۸۰، ۱۲۸۱، ۱۲۸۲، ۱۲۸۳، ۱۲۸۴، ۱۲۸۵، ۱۲۸۶، ۱۲۸۷، ۱۲۸۸، ۱۲۸۹، ۱۲۹۰، ۱۲۹۱، ۱۲۹۲، ۱۲۹۳، ۱۲۹۴، ۱۲۹۵، ۱۲۹۶، ۱۲۹۷، ۱۲۹۸، ۱۲۹۹، ۱۳۰۰، ۱۳۰۱، ۱۳۰۲، ۱۳۰۳، ۱۳۰۴، ۱۳۰۵، ۱۳۰۶، ۱۳۰۷، ۱۳۰۸، ۱۳۰۹، ۱۳۱۰، ۱۳۱۱، ۱۳۱۲، ۱۳۱۳، ۱۳۱۴، ۱۳۱۵، ۱۳۱۶، ۱۳۱۷، ۱۳۱۸، ۱۳۱۹، ۱۳۲۰، ۱۳۲۱، ۱۳۲۲، ۱۳۲۳، ۱۳۲۴، ۱۳۲۵، ۱۳۲۶، ۱۳۲۷، ۱۳۲۸، ۱۳۲۹، ۱۳۳۰، ۱۳۳۱، ۱۳۳۲، ۱۳۳۳، ۱۳۳۴، ۱۳۳۵، ۱۳۳۶، ۱۳۳۷، ۱۳۳۸، ۱۳۳۹، ۱۳۴۰، ۱۳۴۱، ۱۳۴۲، ۱